

تحلیل جامعه‌شناختی حق جمعی بر محیط زیست

اکبر مهدوی^۱، ایران سلیمانی^{۲*}

۱- گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی ار، اردبیل، ایران

۲- گروه الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و حقوق اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

از نگاه دین باوران، چون خداوند علیم و حکیم، آفریدگار بشر است، پس نسبت به ساختار وجودی و مصالح و مفسد معیشتی و نیازهای حقیقی او در ابعاد گوناگون مادی و معنوی علم کامل و اشراف تمام دارد و همه ی بایدها و نبایدها و احکامی که از او به عنوان «شارع مقدس» صادر شده است، مبتنی بر این حقیقت است؛ "و نزلنا علیک الكتاب تبیانا لکل شیء" (نحل/۸۹) قرآن و فقه اسلام بر بهداشت فردی و اجتماعی و نظافت اماکن عمومی و حفظ محیط زیست تأکید فراوان و آن را لازمه ایمان می‌داند. تأکید بر این که پیروی از احکام شریعت و عمل نمودن به توصیه‌های دین حنیف اسلام، سعادت بخش و بر طرف کننده ی مشکلات و معضلات بشری است، همان "حفظ محیط زیست و حفظ حقوق بین نسلی" و حق انسان در بهره مندی از محیط زیست سالم به عناوین مختلف مطرح گردیده است. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی در پی بررسی مبانی این حق است و یافته تحقیق اینکه؛ تمام انسان‌ها نسبت به محیط زیست و حفاظت از آن تعهداتی دارند که در صورت ورود ضرر طبق قواعد فقهیه لا ضرر و اتلاف و تسبیب و ضمان و احترام و دلیل عقل و سیره عقلا... قابل مطالبه است. چون

محیط زیست در شکل گیری جسم و جان آدمی سهمی به سزا دارد و انسان‌ها هرگز نباید از تلاش در راه بالندگی و حفظ سلامت آن باز ایستند پس با به خطر افتادن محیط زیست انسان بدیهی ترین و اساسی ترین حق انسان یعنی حق حیات وی به مخاطره می افتد، به همین جهت جامعه بشری باید حیات اجتماعی را با اتخاذ دستورات فقهی چنان سامان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه‌های طبیعی و فرهنگی و معنوی حیات باشد و در حفظ این حق و حریم که به عنوان حق الناس و امانت الهی است کوشا باشند. این مقاله در صدد رسیدن به چنین حق جمعی که یک حق حقوقی و امانت الهی است، تدوین گردیده است.

واژه‌های کلیدی: فقه، حق جمعی، محیط زیست، جامعه بشری.

مقدمه و بیان مساله

حق بر محیط زیست در حقوق بین الملل به عنوان یکی از اقلام حقوق بشر یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم، همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها محسوب می شود در فقه طرح این حق به خوبی در روابط موجود میان محیط زیست و استقرار و تداوم حیات بشری بازنمایی می کند. حق انسانها در داشتن محیط زیستی امن و سالم، به عنوان یک حق حقوقی و عمومی در کنار سایر حقوق شناخته شده برای بشر می باشد؛ از آنجا که منشاء پیدایش حق، عطف به آفرینش انسان است. شاید این حق؛ به صراحت در قرآن اشاره نشده باشد اما با دلالت ضمنی و دلالت التزامی از آیات قرآن و قواعد فقهی و شأنی که خداوند به انسان داده است می توان دریافت که هرگونه ضرر رساندن به خود و به دیگر افراد و موجودات و به عبارت دیگر تضييع حق جمعی ممنوع است. لذا؛ نگرش و آموزه‌های دینی می تواند نقش مهم و بنیادینی در شناسایی ماهیت حق بر محیط زیست، ارائه ی بینش صحیح در تبیین جایگاه محیط زیست و وظیفه انسان در قبال آن، بازگویی و تثبیت مبنای کرامت و حیات و عبودیت و سیر در تکامل انسان، امانت بودن و منفعت جمعی محیط زیست، با مقوله‌های؛ سفارش به آبادانی طبیعت، تسخیر انسان، عدم تعدی و ظلم و... ایفا نماید، ماهیت حق بر محیط زیست که ترکیبی از حق و تکلیف است؛ در فقه امامیه، جامع تر و نافذتر از ماهیت آن در حقوق نسل سوم بشر است؛ ماهیتی که در آن، جامعه بشری هم محق هستند و هم مکلف، و در آن بیشتر

حفظ و پایداری حق و جلوگیری از عدم تضييع حقوق ديگران و ضمانت اجرايي آن است؛ در هيچ مكنتي به اندازه مكتب الهی و انسان ساز به لوازم و نيازها و ضروريات انسان توجه نشده است حقوق و تكاليف انسان از قبل از تولد تا پس از مرگ در تمام ابعاد، در جميع جهات و در همه زمينه‌ها با كمال دقت و موشكافي مورد تشريع آسماني واقع شده است. از آنجا كه فقه هدف خلقت را براي همگان يكسان و به اصل هدايت پذيري انسان معتقد است. مبنای پذيرش اين حق را كرامت انساني براي همگان می‌داند؛ كه مبنای شناسايي اقسام حقوق بشري است لذا شناسايي اين حق با كرامت انساني رابطه ناگسستني دارد كه مستلزم؛ تقويت بنيه ديني از جمله امانتداري و درستكاري و حفظ حق جمعي است و می‌تواند حكم تكليفي؛ مستحب يا وجوب و حكم وضعي جبران خسارت را داشته باشد، از آنجا كه اسلام زمين را محلي براي تظهير و عبادت خدا تلقی می‌كند. رسول خدا (ص) می‌فرمايد: زمين محلي براي عبادت و تظهير من و مسلمانان قرار داده شده است (كليني، ۱۳۶۳: ۶۳). بر اين اساس آنچه طبيعت را موضوع حق و بهره‌مندی انسان قرار می‌دهد، نيازمندی موجود انساني است (امير ارجمند، ۱۳۷۴: ۳۲۳) و فقط در خدمت نسل فعلي نيست، بلكه هديه خداوند براي همه زمان‌هاست (بقره/۲۹). انسان‌ها مالك جهان نيستند، بلكه حافظ تداوم نظم معيني هستند كه خداوند براي آنها و براي حيواناتي كه با آنها زندگي می‌كنند، مقرر فرموده است: (نازعات/۳۰-۳۳) لذا درمی‌يابيم آموزه‌هاي فقهی در تمام ابعاد بشري از ظرفيت و توانايي كامل و مطلق برخوردار است. كه مبنایي ترين آموزه فكري در اين راستا ايجاد رويکرد امانت گونه در همگان و حفظ منفعت جمعي محيط زيست است.

مبانی حق بر محیط زیست

بازگشت حق بر محیط زیست، بيانی از تكليف ما نسبت به محيط زيست است تكليفي كه عمل به تعهدات انسان را به دنبال دارد. از اين رو بحران زيست محيطي بشريت، بحرانی است معنوی نه مادی و ریشه در جهان بينی‌ها و نگرش‌ها و نگاه انسان امروز به طبيعت و تفسيرى از طبيعت ارائه می‌دهد، دارد. مشكلات زيست محيطی كه به دست انسان به وجود آمده است، تماماً نمی‌توانند با بكارگيري فناوري صرف، حل شوند. تغييرات در رفتار انسان مورد نياز

است. (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۲) ابراهیم اؤزدمیر (۲۰۰۵) می گوید لازمه درک نگرش پیامبر به محیط زیست، برجسته کردن جهان بینی جامع، منسجم و همه جانبه گر و مبتنی بر توحید است. پیامبر اکرم (ص) در سیره و احادیث خود، نه تنها برای عبادت جمعی، قانون مدنی، آداب و معاشرت اجتماعی بلکه برای کاشت درخت، نگهداری جنگل و حفظ محیط زیست اهمیت زیادی قائل بود. (صادقی؛ اکبریان؛ شاکر، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷-۱۷۷) و شعارهای محوری ویژه‌ای پافشاری کرده‌اند. با تکیه بر مؤلفه‌های معنوی انسان مانند؛ تقوا، معادباوری و توحیدمحوری و بکارگیری قواعد؛ تقدیم اهم بر مهم، مصلحت عمومی، لاضرر، عدالت، اختیارات حاکم اسلامی هم چنین مفتوح بودن باب اجتهاد، جایگاه محیط زیست و نقش آن در حیات انسان و وظایف و تکالیف و مسئولیت انسان در قبال آن مشخص میگردد. اینکه چرا با وجود تاکیدات دین مبین اسلام بر پاکیزگی، نظافت، و رعایت حقوق طبیعت و تمامی زیست‌مندان، باز هم شاهد ناهنجاری‌های زیست محیطی هستیم؛ به این دلیل باشد که مردم و مسئولان از آموزه‌های دینی یا آگاهی ندارند و یا اگر آگاهی دارند به آنها عمل نمی نمایند به عبارت؛ دیگر دیندانی لزوماً با دینداری مترداف نیست به همین منظور ریشه اساسی را در مؤلفه‌های معنوی و مبانی حق بر محیط زیست باید جست.

۱- ایمان

ایمان، از واژه‌های کلیدی اسلام و محور همه خواسته‌های آدمی از خداوند است. در صدها آموزه دینی و قرآن و روایات رسیده که پیامبر (ص) و امامان اهل بیت (ع) با تعبیرهای مؤکد و گوناگون از آدمیان خواسته شده تا با "ایمان آوردن" به رهایی خود بپردازند در قرآن کریم چنین آمده است؛ که انسان در این عالم، در وضعیتی نامطلوب و نافرجامی به سر می برد گرفتار زندان هواهای نفسانی و خواهانی‌های دل و کوتاه دستی از نعمت‌های حقیقی و لذت‌های ناب و محروم از زندگانی ابدی است. تنها راه رهایی انسان از این وضعیت رنج آور و حرمان انگیز ایمان است... " (سوره العصر) لذا ایمان و اعتقاد به خدا و معاد و مسئولیت انسان است که می تواند موجب سعادت دنیوی و اخروی و حافظ انسان و محیط زندگانی و ارتباط بین آن دو را فراهم نماید؛ می توان گفت: راه حل معمای هدف از خلقت و چگونه زیستن، حق حیات و

حفظ کرامت انسان و حفظ حقوق نسل‌های آینده در استفاده از محیط زیست در وضع قوانین و تعهدات چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی و اجرایی کردن آنها نیست؛ بلکه راه حل آن در افراد و اشخاصی است که این قوانین را وضع و یا اجرا می‌کنند؛ بطور مثال؛ اگر مأمور ناظر بر بهداشت کارخانه‌های تولید مواد غذایی با گرفتن رشوه، جلوی جنس‌های مضر را نگیرد و یا افرادی مواد سمی غیر استاندارد را وارد چرخه مواد غذایی نموده و باعث آلودگی محیط و بالتبع افراد شود. هم رشوه دهنده و هم وارد کننده ظلم کرده است و بالاتر از آن، ظلمی است که موجب ضرر غیر مستقیم شده است و رشوه گیرنده و ناظر بر وارد کننده کالا با این کار جلوی اضرار به جامعه نمی‌ایستد این تخریب و آلودگی اضرار به مردم است. این در حالی است که قوانین و قواعد حافظ محیط زیست فراوان است اما عامل خاطی، ضامن خسارات مادی و معنوی انسان است در این میان وجود ایمان به اصول دین و متعلقاتش علی‌الخصوص معاد قطعاً چاره ساز خواهد بود. بر طبق این عقیده زندگی در این جهان در واقع، آغاز زندگی برای انسان است و داستان حیات انسان با مرگ خاتمه نمی‌یابد. بلکه این جهان زمینه و ظرفی برای بالندگی روح او و انتقال روح به جهان دیگر است. بر پایه آیات و روایات؛ در آن جهان انسان‌ها در محضر پروردگار عالم باید پاسخگوی اعمال خود باشند. اعمال و رفتاری که انسان باید پاسخ‌گویی آن‌ها باشد بسیار گسترده است و برخورد با طبیعت در زمره آن‌ها قرار دارد (زروانی؛ خداجویان، ۱۳۸۴: ۲۵۱). خداوند می‌فرماید: "به پروردگارت سوگند که از همه آنها پرسش می‌کنیم از آن چه می‌کردند." (حجر/۹۲-۹۳) به همین منظور در فقه امامیه سعی بر آن است؛ ضمن بیان باورهای اعتقادی و اخلاقی، توصیه و تاکیدهای دینی، تلاش برای تحقق آنها در جامعه بشری اعم از ملت و دولت به یک ساز و کار نظارتی و حمایت مطلوب و کارآمد نائل شود، چرا که جهت‌گیری اولیه مکاتب الهی و به ویژه شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی اوست؛ انسان معتقد و تربیت شده در دامان مکاتب الهی، در جایگاه اساسی‌ترین عنصر جهان هستی، رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی درباره تضييع حقوق هم‌نوعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه و خیانت در امانت به همراه نخواهد داشت. چارچوب کلی شریعت درباره چگونگی رابطه انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی شکل گرفته است. در

این چارچوب، انسان در مرکز مثلثی تصویر می شود که در رأس بالای آن خداوند قرار دارد و در دو رأس دیگر جامعه انسانی و طبیعت هستند. در این مثلث، رابطه خداوند با جامعه انسانی و طبیعت، رابطه خالقیت، قیومیت و تدبیر است. در مقابل رابطه اینها با خداوند، رابطه عبودیت و مخلوق بودن است. رابطه جامعه انسانی و طبیعت رابطه تسخیر و مسئولیت و امانت است. رابطه انسان در مرکز این مثلث، در جایگاه عضوی از جامعه انسانی، با خداوند و طبیعت، رابطه بندگی و مسئولیت و با سایر افراد جامعه رابطه تعاون، احسان و عدالت خواهد بود. در مساله محیط زیست به یقین در هیچ یک از منابع اسلامی به عنوان محیط زیست و حق و حقوق آن حکمی بیان نشده است ولی بدون تردید درباره آب، خاک، هوا، پاکی، ناپاکی، نظافت، آلودگی، طوفان، باد، گرد و خاک، آتش سوزی، اتلاف، تسبیب و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع احکام زیادی وجود دارند که همه آنها بیانگر مقررات دقیق برای مسائل محیط زیست و تکالیف انسان در قبال آن و زمینه ساز سیر در تکامل که هدف خلقت است می باشد؛ مسلماً این امر میسر نمی شود مگر با ایمان و اعتقاد به توحید و نبوت و معاد و متعلقات آنان و انجام اوامر الهی در حوزه محیط زیست و دوری از نواهی.

۲- امانت داری (تعهد، تکلیف، ولایت الهی)

در میان مخلوقات، انسان بی نظیر است و در این میان چیزی که او را متمایز می کند، قبول کردن امانت الهی است که به او عرضه شده (احزاب/ ۷۲) گرچه این امانت بزرگ، امکانات و آزادی‌ها و مسئولیت‌هایی را برای انسان بوجود می آورد، اما به هر حال از امانت دار انتظار می رود که مسئولیت خود را به خوبی انجام دهد. (انفال/ ۳۷، نساء/ ۵۸) چون خداوند همه نعمت‌های مادی و چه معنوی خویش از طیبات را بر بندگان ارائه کرد، آنها را از خیانت باز داشت. لازمه این بیان آن است که انسانها به طور کامل و بدون هر گونه نقصی و کاستی تکالیف خویش را به جا آورند کوتاهی در این زمینه به معنای نابودی میراث مهم بشریت در دو حوزه مادی و معنوی است. قرآن کریم با بهرمندی از وصف مؤمنانه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به این مهم توجه داده است که رعایت امانت صفت مؤمنان است و خیانت از صفات منافقان می باشد. پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) دو خصلت دروغ گویی و خیانت را از مؤمن دور

دانسته اند. (ابن شعبه الحرانی، ترجمه جنتی، ص ۱۶۹ و ۲۱۸) انسان به عنوان خلیفه، به جای عمل در جهت سودمندی برای خدا، سلسله‌ای از ارزش‌ها را ایجاد کرده است که نتیجه آن سلطه بر طبیعت به جای حفاظت و حمایت از آن از دیدگاه امانت داری الهی است، خداوند می‌فرماید: به راستی که انسان چیز بسیار بزرگی را در این صورت از دست داده است و زمانی می‌فهمد که آسمان‌ها آماده برای انفجار شوند، زمین دو نیم شود و کوه‌ها به کلی تخریب شوند (مریم/۸۹-۹۰)، از آنجا که دیدگاه کلیدی در مورد اسلام آخرت است که اعمال به خود انسان باز می‌گردد و نسبت به تمامی اعمالی که مرتکب شده مجازات می‌شود (یس/۵۴) او مجبور به حمایت از دست آوردهای حال برای آیندگان است. آخرت شناسی نیرویی برای اجرای صحیح اعمال است. انسان باید نشان دهد که نه تنها به عنوان یک امانت دار بلکه به عنوان یک خلیفه خدا نسبت به این امانت توجه دارد. طبیعت به عنوان یک امانت برای انسان است نه چیزی دیگر و انسان همراه با به دست آوردن تقوای الهی حق چیره شدن را دارد بدون اینکه مقاومتی و جنگی در برابر آن داشته باشد و انسان نباید از قدرت، تواناییها، استعدادها و حقوقش بدون در نظر گرفتن مسئولیتش در امانت داری، از امانت بد استفاده کند. وحی و شریعت نیز برای راهنمایی انسان در بجا آوردن همان امانت داری آورده شده است (جیسون^۱، ۲۰۰۵: ۹۶). می‌توان گفت؛ مفهوم امانت داری در محیط زیست بدان معنا است که انسان یا به دلیل نیاز به محیط زیست، یا به دلیل مورد پسند بودن آن و یا از باب توانمند و توانائی در تسخیر، همه موجودات ممکن، به این موهبت الهی عظیم نشان داد و پذیرفت که در خصوص آن رعایت امانت را داشته باشد. از این رو، رویکرد امانت‌گونه به هستی به طور عام و به محیط زیست به طور خاص از امتیازات و ویژگی‌های دیدگاه اسلام در حفظ محیط است و شارع مقدس در حد یک توصیه اخلاقی نسبت به آن بسنده نکرده است و با استفاده از ابزارهای اعتقادی و اخلاقی همچون ایمان و تقوا سعی کرده است آن را اجرائی کند. از ویژگی‌های مهم این دیدگاه افزایش تعهدات افراد نسبت به محیط زیست با استفاده از ابزارهای درونی به جای بیرونی است که خود در کاهش هزینه‌ها و کاستن از مقابله اجتماعی مؤثر است (راعی، ۱۳۹۱: ۱۴). محدود کردن علت اصلی بحران زیست محیطی و جست و جوی راه حل‌ها در

موضوعات ظاهری و مادی و به تعبیر دیگر مادی انگاشتن جملگی موضوعات مرتبط با محیط زیست اشتباهی بزرگ است و راهی است که هیچ گاه به مقصد نمی رسد، چرا که بحران زیست محیطی بشریت، بحرانی است معنوی نه مادی و ریشه در جهان بینی‌ها و نگرش‌ها و نگاه انسان امروز به طبیعت و تفسیری از طبیعت ارائه می‌دهد، دارد و مادام که نگاه انسان معاصر به عالم هستی بر بنیادی غیرمادی استوار نگردد و رابطه او با محیط پیرامونش اصلاح نشود از چنبره این بحران نجات نخواهد یافت و به یک کلمه صریح می‌توان گفت که اصلاح وضع موجود جز با نگرش به عالم هستی ممکن نمی‌شود (محقق داماد، ۱۳۷۳، ش ۴: ۳۰). پس، فقط با تقویت بنیه دینی و ایجاد قوه امانتداری به راحتی می‌توان این بحران را مهار کرد. از آنجا که نگاه فقه نسبت به محیط زیست این است که؛ محیط زیست بعنوان امانت در اختیار انسان نهاده شده است که حاکی از اهمیت والای این حق است، بر هر انسان مومنی چه منفردا و چه مجتمعا واجب است این امانت الهی را حفظ کند، از هر گونه تعدی و تخریب آن خودداری نماید در غیر اینصورت خائن و گناهکار مستوجب مجازات است. محیط زیست ارثیه پدری کسی نیست که که بخواهد از آن بخشش کند. در این مجموعه "من" وجود ندارد و همه "ما" هستیم هر گونه تعامل مثبت و منفی فرد، به منفعت و ضرر جمعی می‌انجامد، توجه داشته باشیم؛ امانتی که به ما داده شده اگر نمی‌توانیم آبادتر تحویل نسل بعد بدیم خراب تر و ویران تر تحویل ندهیم.

۳- کرامت انسانی

ملاحظه آیات قرآن کریم و رجوع به اندیشه‌های فقهی فقها حاکی از آن می‌باشد که کرامت انسانی به عنوان یک مبنا و قاعده در تنظیم روابط انسانها نقش آفرینی می‌کند (اسراء/۷۰). خداوند با بیان این حقیقت که انسان را به عنوان موجودی با کرامت آفریده است، اعلام می‌کند که براین اساس او را به بسیاری از موجودات و آفریده‌ها دیگر برتری داده است و براین پایه روابط انسان و خداوند نیز شکل می‌گیرد. روابط تعیین برخی از تکالیف نسبت به انسان در راستای تضمین کرامت او می‌باشد. رمز و راز این تکالیف عینیت بخشیدن به کرامت اوست چراکه درخواست انجام تکالیف و واگذاری مسئولیت‌ها حاکی از وجود نوعی موقعیت

در انسان است. هرچند آثار وافر دیگری از انجام این تکالیف به طور مستقیم به خود انسان نیز برمی‌گردد. بهره‌مندی از حقوق به منظور داشتن زندگی شرافتمندانه مصداق دیگر این روابط است. دایره این حقوق هم حوزه اخلاقیات را شامل می‌شود و هم امور فقهی و حقوقی و این حاکی از گستردگی نگاه به حقوق انسانی است. علامه طباطبائی، کرامت را به معنای تعقل و اندیشه و قدرت تفکر تعریف کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶۵). این معنا آثار متعددی را به دنبال دارد. بر این پایه انسان قدرت تنظیم روابط خویش با دیگران، قدرت تشخیص ظلم و فساد در روابط اجتماعی را دارد. شناسایی حقوقی که بتوان با آن به انتخاب برتر در زندگی دست پیدا کرد و اساس تکالیف او و محدودیت‌ها و پیدا کردن مسیر زندگی شرافتمندانه به وجود صفت کرامت برمی‌گردد، مطابق آموزه‌های قرآنی کرامت به معنای برخوردارشدن از قدرت تعقل و اندیشه و پی‌ریزی یک زندگی در مسیر تعالی و بندگی خداوند است. این کلیت نیز با بیان حدود و مشخصات مربوطه تعیین پیدا کرده است که در چگونگی تعامل با محیط زیست کاملاً مشهود است.

۴- عدالت

عدالت ناموس بزرگ الهی و مدار آفرینش نظام تکوین و پیدایی نظام تشریح بوده است. در قرآن آمده است: "و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید." (رحمن/ ۹- ۷)؛ استواری آسمانها و زمین به عدل و داد است. اینکه هدف حق بر محیط زیست؛ نگاهداری محیط زیست و تضمین بقای جامعه بشری و رسیدن به تکامل است، که باید همگی بر پایه عدالت و انصاف باشد؛ از آنجا که یکی از مبانی مهم حق بر محیط زیست؛ عدالت است، لذا هم قانونگذار، هم پیروان قانون باید از قواعد عدالت پیروی کنند قاعده ایی که به عنوان حقوق قابل احترام است که علاوه بر تأمین آسایش و نظم عمومی، حافظ عدالت باشند. عدالت رفتار پسندیده و مورد تأیید عقل و شرع بوده عمل بر طبق آن واجب است، در کلام آمده است "بدان که عدالت عبارت از حد وسط بین افراط و تفریط، و آن از امهات فضائل اخلاقیه است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۳۵۴) عالم هستی براساس عدالت برقرار شده است، از زوایای مختلف عدالت در

حیات جامعه بشری مشهود است: عدالت در آفرینش (عدالت تکوینی)؛ عدالت در قانونگذاری (عدالت تشریحی)، عدالت در توزیع منابع طبیعی در آموزه‌های دینی، عدالت در بهره‌برداری از محیط زیست و ... پس امر خداوند به عدل به اطلاق خود، شامل عدالت در توزیع ثروت‌های طبیعی و بهره‌برداری از محیط زیست سالم، که از بارزترین مصداق آن است، می‌شود اگر تبعیض‌های مختلف در بهره‌برداری از منابع طبیعی بین افراد یا کشورها دیده می‌شود از ناحیه خود افراد بشر است و در میزان الهی راه ندارد. از طرفی همه افراد بشر نسبت به کانال فیض خداوند هیچ تفاوتی با هم ندارند، همه سهم برابر دارند عدالت اقتضا می‌کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق امت‌های آینده را در نظر بگیرد. چنان که حقوق سایر هم‌نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد. آیات فوق بیان می‌دارد، که همه افراد بشر حق بهره‌برداری عادلانه و منصفانه از محیط زیست را دارند تا زمینه بهره‌برداری دیگران نیز فراهم گردد و حق کسی ضایع نگردد. موسوی خمینی می‌نویسد: ولی امر حق ندارد یک ناحیه را بیشتر از ناحیه دیگر توجه کند و حق ندارد یک طرف کشور را زیادتر از طرف دیگر آباد نماید (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۹)؛ یعنی باید عدالت در تمام جوانب بهره‌برداری که حق مسلم افراد است حفظ شود. علی (ع) می‌فرماید: آن چه را خداوند به تو داده است نباید بیهوده نابود کنی پس به طریق اولی حق‌نداری حق دیگران را ضایع‌نمایی باید برگردانی (نهج البلاغه، شهیدی، ۱۳۷۲: ۱۰۶۹) جامعه انسان‌ها همچنان در تلاش برای کسب اهداف و آرمان‌های عدالت است، بی‌تردید عدالت مربوط به محیط زیست نیز بخشی از این آرمان‌ها و آرزوهای وسیع خود را نمایان می‌سازد. داشتن هوای پاک، آب سالم و خاک مستعد از حقوق اساسی انسان به شمار می‌آید. بنابر این احکام دین اسلام جهانی و جاودانه شامل انسان‌هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند نیز می‌شود. برخورداری از مواهب طبیعی نیز به یک نسل اختصاص ندارد، یعنی افزون بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خود را دارد. لذا، هرگونه استفاده‌ای منجر به نابودی منابع طبیعی یا سبب آلوده‌سازی محیط زیست شود و زندگی را برای دیگر انسان‌ها مشکل سازد، به دور از عدالت و مخالف انصاف است و از نظر منطق اسلامی ممنوع و ضمان آور است (صادقی؛ اکبریان؛ شاکر؛ ۱۳۸۶: ۱۶۳).

خلافت و جانشینی

قرآن کریم انسان را خلیفه و جانشین الهی معرفی می‌نماید، (بقره/ ۳۰؛ مومن/ ۱۶) خداوند می‌فرماید: "شما تا روزگار مشخصی در زمین هستید و حق بهره برداری دارید." (بقره/ ۳۶) بر این اساس انسان در بهره‌مندی از محیط زیست؛ الزام به حق بر محیط زیست و ورع در به دست آوردن، ادب در بکار بردن، هدف در مصرف نمودن را یعنی حق استفاده موقت را دارد. طبیعت و محیط زیست در همه ابعاد خود ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست، تا هر طور که خواست در آن تصرف کند. هیچ نسلی از بشر نیز نمی‌تواند چنین حقی برای خود ادعا نماید. بلکه محیط زیست، پشتوانه و اعتبار دایمی همه انسان‌هاست که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. و این همان مساله مهمی است که باید در تربیت انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد تا هیچ نسلی، اجازه نیابد به نفع خود از طبیعت، استفاده‌هایی بی‌جا کرده و آن را فرسوده و ضایع و آلوده کند. جانشین، حق انجام دادن کاری را مخالف اراده و خواست کسی که به جای او نشسته، ندارد و چون اراده خداوند بر وجود هماهنگی و توازن در طبیعت و هستی تعلق گرفته، جانشین او هم باید در همین راستا گام بردارد و حق ندارد برخلاف خواست و اراده خداوند کاری انجام دهد. اگر چنین کند، به طور قطع حق جانشینی را به جای نیاورده و از محدوده خلافت پافراتر نهاده است و بدین صورت از جانشینی کنار گذاشته می‌شود. از این رو انسان برای پاسداری از عنوان جانشینی خود باید به عدالت در حفظ توازن و هماهنگی جهان همت بگمارد (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). بنابراین خداوند با نهادینه سازی ظرفیت علمی برای انسان در سلطه بر طبیعت و زمین او را خلیفه خویش در آن قرار داده و او را به بهره‌گیری از مواهب و فضل خود در زمین فرا خوانده تا به اطراف و اکناف آن قدم بردارد و از روزی آن بهره جوید. (جمعه / ۱۰) جانشینی و خلافت ایجاب می‌نماید که جامعه بشری امکان بهره‌وری همه‌گانی و همیشگی را در زمین فراهم آورد. تنها انسانهای عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت از آلوده سازی طبیعت و بهره‌وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند. (www.HaghGostsr.ir) زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای است الهی که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آنها پدید آمده است. از این روی انسان مسئول حفظ طبیعت است (نصر، ۱۳۷۷: ۲۰۴). پیامبر اکرم (ص) بر حرمت نهادن بر زمین

تأکید می‌ورزد و آن را به منزله مادری که انسان از آن ارتزاق می‌نماید که از اعمال نیک و بد انسان خبر می‌دهد؛ معرفی می‌نماید. "حَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَأَنْهَاكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ" (دلشاد، ۱۳۸۵: ۲۲۶) مفهوم خلیفه الهی بر زمین نیز این مفهوم را در بردارد که انسانها امتیازات، مسئولیت‌ها و تعهدات ویژه‌ای نسبت به جهان خلقت دارند و برای برقراری ارتباط با خود، دیگران و دیگر موجودات و اشیا باید مملوکیت خود و دیگر موجودات عالم را نسبت به خدای سبحان در نظر داشته باشد و برای تحصیل اذن مالک مطلق عالم هستی تلاش کند. اخذ اذن پروردگار، در گرو تبعیت از اوامر و نواهی ای است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۷۲) جایگاه خلیفه الهی اقتضاء می‌کند هم چنان که نسل حاضر این محیط را پاک و سالم از نسل‌های پیش تحویل گرفته‌اند، باید محیط پاک و سالم که قدرت باروری و بازدهی همیشگی داشته باشد، به نسل آینده بسپارند.

اهداف حق بر محیط زیست

هدف تعالیم اسلام و فقه امامیه ارائه قواعد و سیستمی از ارزش‌هاست که ملحوظ داشتن آن، مسیر تکاملی عالم وجود و انسان را تضمین کند. این سیستم در برگیرنده‌ی مباحث مربوط به محیط زیست، تبیین مبانی و نحوه‌ی استفاده از منابع، ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر، نحوه‌ی نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آنها، که همگی در گرو شناسایی حق بر محیط زیست سالم بوده که، نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات، گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۱۴۸) به عبارت دیگر یکی از راه‌های حفظ محیط زیست حق انگاری است آنهم با رویکرد حق حقوقی نه حق اخلاقی. که در قالب وجوب و حرمت در آموزه‌های دینی بیان شده است. لذا رجوع به اهداف به منظور یافتن نقطه و منظر گاهی است که شارع مقدس با امضا کردن می‌خواهد ما را به آن غایت که حق جمعی است، برساند.

۱- منفعت جمعی و حق همگانی محیط زیست

اصل اولی در خلقت طبیعت و منابع طبیعی مشترک و جمعی بودن آن است که معیار این اصل آیات و روایات است که مکرراً و به طور گسترده به این واقعیت اشاره نموده است؛ (ابراهیم/۳۲) اعلام می‌دارد که مواهب طبیعی، مربوط به همه افراد جامعه و برای همه خلق شده است، طباطبایی می‌نویسد: اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد این است که جمیع اموال برای همه است خداوند آن اصل را در آیاتی مورد تأکید قرار داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۸۴). خداوند می‌فرماید: "هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً (بقره/۲۹) و تصریح می‌کند؛ تمام نعمت‌ها و ثروت‌های جهان طبیعت به گروه خاصی تعلق ندارد؛ خداوند زمین و آسمان و آنچه که در آنها وجود دارد، برای بشر خلق کرده و به همه تعلق دارد، این همان اصل همگانی بودن و اشتراکیت ثروت‌های طبیعی است که اختصاص به فرد و قشر خاصی ندارد؛ خداوند می‌فرماید: "او کسی است که زمین را برای شما رام کرد پس بر شانه آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید" (ملک/۱۵) آیه با ضمیر جمع آمده و صراحت دارد که خداوند زمین را که اولین وسیله حیات و زندگی است برای همه انسان‌ها آماده نموده است، و همه مردم بلااستثناء حق استفاده کردن از آن را دارند؛ چون انسان‌ها در هر شرایطی که باشند برای ادامه زندگی نیازمند نعمت‌های خداوند هستند. اما باید به طور اصولی و صحیح، ضمن رفع نیازهای خود، حقوق دیگر انسانها در همه دوره‌ها رعایت کند.. بر مبنای آیات کریمه (الرحمن/۱۰)، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. تعبیراتی نظیر: «لکم = برای شما»، «الناس = مردم» و «الانام = همگان»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند، که این نعمتها، برای همه مردم و حق همه آنهاست صرف نظر از هرگونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و... و همه حق دارند از این نعمت ارزشمند الهی بهره‌مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند و عبادات و تکالیف خود را به نحو احسن انجام دهند، لذا محیط زیست حق جمعی است و سود و زیانش متوجه ابناء بشری است، به همین خاطر همگان مکلف و ملزم به رعایت این حق جمعی هستند و در قبال آن مسئول هستند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: "هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسلها از نعمتهای الهی، و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از

فاصله طبقاتی، و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده روی، و تعبّد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است. ("حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۰) مسئولیت در فقه با عنوان ضمان مطرح شده است، به این صورت که مسئولیت زیست محیطی می‌تواند یا ناشی از اتلاف باشد یا تسبیب یا تعدی و تفریط یا تقصیر؛ فقهای شیعه مبنای مسئولیت را با عناوین متعدد بیان نموده‌اند؛ شیخ طوسی در مبسوط و ابن ادریس در سرائر سرایت ناشی از فعل ممنوع و سرایتی که به فعل حادث شده را مبنای مسئولیت گرفته و سرایت از فعل مباح را موجب عدم مسئولیت قرار می‌دهند (حلی، ۱۴۱۰: ۴۹۴) علامه در تذکره، عدم تعدی و سرایت از فعل مباح را مبنای مسئولیت و عدم مسئولیت قرار می‌دهد. شهید ثانی در مسالک از نظریه "تفریط مقتضای ضمان" و "سببیت موجب ضمان" برای مسئولیت نام می‌برد (جبعی عاملی، بی تا: ۱۶۶). برخی از محققان نوشته‌اند: انسان، به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد، بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید (نجفی، ۱۳۶۷: ۶۶ ۶۹). خداوند به ابناء بشری متذکر می‌شود؛ که او وارث زمین بوده و انسان مسئول، کسی است که قدر محیط زیست خود را به خوبی دانسته و آن را مورد محافظت قرار دهد و از آن به نحو احسن بهره برداری نماید (اسماعیلی، و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۹) پیامبر (ص) می‌فرماید: در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید، زیرا همه شما مسئولید حتی نسبت به بقعه‌ها و حیوانات، پس اطاعت کنید از فرمان الهی و گناه نکنید. امام علی (ع) نیز می‌فرماید: "تقوا پیشه کنید در حق بندگان و شهرها، که شما مسؤول هستید؛ حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان". (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ق: ۱۲۴) انسان هرگز اجازه ندارد خود را رها و لجام گسیخته و آزاد در بهره‌برداری از طبیعت بداند و حق ندارد با آلوده کردن و ویران ساختن طبیعت به آسایش برسد. آدمیان در برابر چگونگی بهره‌برداری از آن مسؤول هستند. آلودگی محیط زیست به زیان انسان و همه موجودات تمام می‌شود (حسینی و عمیق، ۱۳۸۵: ۷۷). علامه مجلسی در شرح این عبارت می‌نویسد: سوال از زمین‌ها آنکه چرا این زمین را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرستیدید و سوال از چهارپایان آن که چرا آنها را گرسنه رها کردید و به درد آوردید و رعایت حقشان نمودید؟ (مجلسی،

۱۴۰۳: ۲۹۰) معلوم می‌گردد مسئولیت انسان در قبال پدیده‌ها و اشیای پیرامون بسیار جدی و همه‌جانبه است. انسان معاد باور به احساس مسئولیت و خدمت‌گزاری بی‌منت و ... در تحصیل زاد و توشه آخرت اعتقاد دارد و آن را سر لوحه کار خود قرار می‌دهد. و نیز می‌فرماید: "هر که به مکافات یقین داشته باشد، جز کار خوب برنگزیند" (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷: ۱۵۱). چرا که بازخورد اعمال به خود انسان بر می‌گردد که مفهوم مسئولیت نیز همین است. لذا همگان اعم از ملت و دولت مسئول حفظ محیط زیست هستند، که هر کدام از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از آنجا که سرنوشت انسان‌ها به هم گره خورده است؛ آثار پذیرش حق بر محیط زیست ایجاد مسئولیت مشترک نسبت به این حق است که اثرات دنیوی و اخروی به همراه دارد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر و محیط زیست

قرآن کریم در آیات و روایات متعدد در صدد بیان مسئولیت سنگین انسان‌ها نسبت به خود و دیگران است. که (تحریم/۶) در حدیث جامع و جالب از رسول خدا (ص) آمده است: "الا کلکم راع، و کلکم مسئول عن رعیتة... بدانید همه شما نگهبانید، و همه در برابر کسانی که مامور نگهبانی آنها هستید مسئولید، امیر و رئیس حکومت اسلامی نگهبان مردم است و در برابر آنها مسئول است. (مجموعه ورام، ج ۱: ۶، به نقل از سایت تبیان تفسیر سوره تحریم) قرآن کریم علاوه بر اینکه از همگان می‌خواهد عمل صالح انجام دهند؛ از مردم می‌خواهد که دیگران را نیز به عمل صالح و کارهای خوب امر کنند. (رشاد، ۱۳۸۱: ۶۴) امر به معروف و نهی از منکر محدود به مسائل خاصی نیست، بلکه یک فرهنگ سازنده و سیاست جنایی مشارکتی، کارا در جامعه اسلامی است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۶-۷۷) لذا کاشت نهال و کشاورزی، بهترین کار و جزء معروفات دین اسلام و قطع درخت مساوی بارش عذاب و جزء منکرات معرفی شده است. از آنجا که یکی از منهیات مهم، لطمه زدن به ثروت‌های عمومی است؛ لذا باید از چنین اعمالی نهی و جلوگیری نمود و به تعبیر قرآن کریم از فتنه‌ای که تنها دامن ستمکاران را نمی‌گیرد، ترسید (شمس، ۱۳۷۶: ۴۶). بدیهی است امت و جامعه اسلامی با نهادینه‌سازی فرهنگ امر به حفظ محیط زیست و نهی از تخریب آن، پرچم دار نهضت حفظ محیط زیست و توسعه آن در سطح جهان خواهد بود و کارگزاران حکومت اسلامی نیز از اقتدار خویش در

جهت توسعه محیط زیست و مقابله با منکر تخریب آن بهره خواهد جست. به همین منظور نظام اسلامی دیده بانی و مراقبت از یکدیگر را در جامعه با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌کند (ولیدی، ۱۳۷۲: ۲۲). بحث و بررسی درباره امر به معروف و نهی از منکر مستلزم تحقیق جداگانه ای است و از حوصله این مقاله خارج است. با وجود این برای درک اهمیت و تاثیر این نهاد در پیشگیری از تخریب محیط زیست و ترغیب به آبادانی، به برخی از منابع آن در متون فقهی اعم از آیات و روایات و احادیث اشاره می‌کنیم. صرف نظر از برخی آیات (سوره حج، آیه ۴۱؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۷) که ضمن بیان احکام کارهای نیک، به گونه‌ای از انجام اعمال مخالف دستور الهی منع می‌کند، خداوند متعال بهترین امتی که جمعی از آنان نسبت به جمعی دیگر نافعند، معرفی می‌نماید (آل عمران/۱۱۰)؛ زیرا از شان آنان، تحریص و ترغیب یکدیگر به کارهای نیک و منع از اعمال ناشایست است که با این عمل بهترین منفعت را به هموعان می‌رسانند (مدیرشانه چی، ۱۳۹۱: ۱۵۶)، لذا جامعه بشری در ترویج فرایض؛ اوامر و نواهی شارع مقدس همدیگر را یاری بدهند. امام صادق (ع) می‌فرماید: "تا زمانی که انسان در راه یاری و امداد رسانی به برادرش باشد خداوند او را یاری خواهد کرد." (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳) تعاون و همکاری انسان‌ها مختص گروه خاصی نیست و همه انسان‌ها، حتی کافران و معاندان با رسول خدا (ص) را نیز شامل می‌شود. از این رو دعوت مردم به رفتارهای هنجاری زیست محیطی در قالب (امر به معروف و نهی از منکر) ماهیتی زیست محیطی دارد که در حقیقت ضامن اجرای وظایف فردی و اجتماعی در قبال محیط زیست است از نظر تعالیم الهی، ایستادگی در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت تلقی شده است. پس ضروری است؛ مسئله امر به معروف و نهی از منکر در رابطه با مسائل زیست محیطی برای جلوگیری از فساد و انحراف و در پیشبرد ارزش‌های متعالی و سلامت اجتماعی و اقتصادی امری جدی تلقی شود. اصل پنجاهم قانون اساسی صریح‌ترین حکم قانون‌گذار اساسی در این زمینه است؛ در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. از ظرفیت‌های مهم فقه موضوع همبستگی است. این حوزه امروزه با عنوان حقوق نسل سوم و با

محوریت حقوق همبستگی شناسایی شده است. که مصداق حق بر محیط زیست با فریضه امر به معروف و نهی از منکر در فقه معنا می‌یابد فقه اسلامی امر به تعاون و دوری از اثم و دشمنی را سرلوحه برنامه مؤمنان در عرصه اجتماعی قرار داده این نگاه ریشه در همبستگی انسان‌ها دارد. اگر چه فقه در تمام ابعاد حقوق بشری از ظرفیت بالایی برخوردار است، اما در نگاه به حقوق جمعی نگاهی نوآورانه دارد. دعوت از همه موحدان ابراهیمی برای شکل‌دهی همبستگی جهانی بزرگ‌ترین بستر امنیتی را برای همگان شکل داده است. این نگاه که بر پایه حداقل موارد مشترک شکل می‌گیرد، دارای بزرگ‌ترین آثار اجتماعی در راستای حق بر امنیت است که خود زمینه‌ساز تحقق سایر حقوق اجتماعی است. در این نگاه، زمینه هرگونه رفتار خشن، توهین‌آمیز و تحقیرکننده و همچنین هر نوع جنگ و نزاع و درگیری و در کل هر نوع وضعیت ضد امنیت از بین می‌رود و مؤمنان و موحدان با داشتن امنیت به انجام مناسک الهی خود می‌پردازند (راعی، ۱۳۹۳: ۸).

حق بر محیط زیست در حقوق خصوصی

برای آنکه مشخص شود حق بر محیط زیست در حقوق خصوصی دارای چه وضعیتی است باید ابتدا مشخص گردد که حق در حقوق مدنی بر چه مفاهیمی استوار است. بر پایه مفاهیم ذاتی و شخصی حقوق، «حقوق مدنی» نیز در مفاهیم ذاتی و شخصی بر معانی گوناگون دلالت دارد. حقوق مدنی (یا حقوق خصوصی) در مفهوم حقوق فردی، در برگیرنده مصادیقی از حق‌های فردی است که به نفع شخصی در برابر دیگران در موقعیت خاص حقوقی ایجاد می‌شود و به صاحب آن امکان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد؛ مانند مالکیت، حق شفعه، حق خیار و... حقوق مدنی در این مفهوم را حقوق نسبی نیز گفته‌اند که در مقابل حقوق مدنی مطلق قرار می‌گیرد. حق‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از حقوق ایجابی هستند؛ بدین معنا که اغلب مطالبات شخصی را در قبال جامعه و دولت شکل می‌دهد. بنابراین دولت باید شرایطی را فراهم سازد که امکان تمتع از حقوق مزبور فراهم گردد؛ اما حقوق مدنی و حقوق سیاسی از حقوق سلبی به شمار می‌آیند. بدین مفهوم که ترک فعل شخصی مانند عدم تعدی به حیات و آزادی دیگران را طلب می‌کنند (راسخ،

۱۳۷۹: ۹۹). بی‌گمان، آزادی‌ها و مصونیت‌هایی که به عنوان حقوق بشر از آنها یاد می‌شود، هنگامی در حوزه حقوق به عنوان «حق» مورد بحث قرار می‌گیرند که قانون و نظام حقوقی آن را به عنوان حق شناخته یا به صورت ضمنی مورد حمایت قرار داده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۴۳). در ادبیات حقوقی معاصر، «حقوق مدنی» علاوه بر حقوق ذاتی، یعنی قواعد حاکم بر پاره‌ای از روابط اجتماعی، به معنای برخی حقایق فردی مربوط به حیثیت ذاتی انسان است. به موجب قوانین اساسی و عادی اغلب کشورها و نیز اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، تمتع هر فرد انسانی، قطع نظر از موقعیت اجتماعی او، از این حقوق مورد تأکید و حمایت قرار گرفته است. این دسته از حقوق را «حقوق مدنی مطلق» نیز گفته‌اند. روشن است که حقوق مدنی در این مفهوم، منطبق با حقوق عمومی است که در تقسیم‌بندی حقوق فردی، مقابل حقوق سیاسی و حقوق خصوصی (مدنی) قرار می‌گیرد. بنابراین بحث حق بر محیط زیست جزو حقوق مدنی مطلق به شمار می‌رود (تفرشی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۹). همان‌طور که در قانون اتحادیه اروپایی نیز بیشتر کشورهای اروپایی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی را، مسئولیت مطلق دانسته‌اند (کمسیون اروپا، ۱۹۹۳: ۲۰). واژه «حقوق به معنی حق» جمعاً ۳۰ بار در قانون مدنی ایران (مواد ۹۷، ۱۰۳، ۵۷۱، ۵۷۶، ۷۹۴، ۸۲۰، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۹۵۴، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۶، ۹۸۲، ۹۸۷، ۹۸۷، ۱۱۰۲، ۱۱۸۲، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۳۵، ۱۲۶۵، ۲۹۹) به کار رفته است. موارد به کارگیری این واژه در قانون مدنی نشان می‌دهد که عبارت مذکور غیر از مواد ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹ و ۹۶۱ هرگز با وصف «مدنی» همراه نشده است. بدین معنی که غیر از مواد ذکر شده بقیه مواد قانونی به صورت مطلق بکار برده نشده‌اند. حق بر محیط زیست یک حق مطلق است و نسبی محسوب نمی‌شود، بقیه مواد قانونی در قانون مدنی بر حق نسبی که قابل سلب محسوب می‌شوند و بسته به موقعیت و شرایطی که در قانون ذکر شده از افراد می‌توان سلب کرد. مهمترین مواد قانونی که در قانون مدنی حق را به صورت مطلق به کار برده است ماده ۹۵۹ می‌باشد ماده مزبور مقرر می‌کند: «هیچ کس نمی‌تواند تمام یا قسمتی از حق تمتع و یا حق اجرا را در حقوق مدنی از خود سلب کند». در حقوق سوئیس ماده ۲۷ قانون مدنی که مأخذ ماده ۹۵۹ ق.م. ایران بوده، از حقوق و آزادی اشخاص و به عبارتی از حقوق مدنی در مفهوم

مطلق، حمایت می‌کند. بنابراین هدف قانونگذار ایرانی از وضع ماده ۹۵۹ قانون مدنی نیز حمایت از حقوق بنیادین و آزادی اشخاص است که از آن در ماده مورد بحث، با عنوان حقوق مدنی یاد کرده است. حقوق بنیادین بشر، همچون حق بر محیط زیست با توجه به مختصات، محتوای و اوصاف آن، حقوق سلب‌ناپذیر و غیر قابل انتقال ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است که هر انسان از آن برخوردار است. گرچه حقوق مزبور به عنوان «حق» هر انسان شناخته می‌شود، اما با توجه به ماهیت آن، از سنخ حق اصطلاحی (حق، ادعا و حق، قدرت) نیستند و «حکم» محسوب می‌شوند (تفرشی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۰). بنابراین اراده اشخاص در مورد سلب این حقوق از خویش، فاقد اثر است و بدین علت هیچ کس نمی‌تواند حقوق مورد بحث را به صورت کلی یا جزئی از خویش سلب و اسقاط کند. بر این اساس کسی (شخص یا دولت) نمی‌تواند حق بر محیط زیست را از خود سلب یا اسقاط کند. هیچ کس نمی‌تواند حتی نسبت به شخص معین یا برای مدت معینی حق حیات، حق استفاده از محیط زیست سالم، حق سلامت جسم، حق حیثیت و شرافت انسانی، حق دادخواهی و همچنین سایر آزادیهای فردی در حوزه‌های گوناگون حیات اجتماعی خویش را از خود سلب کند. آزادی نیز در چهره‌های گوناگون آن، مانند آزادی قراردادی، آزادی انتخاب شغل و سایر آزادی‌های مرتبط با حیات اجتماعی از جمله حق بر محیط زیست سالم از حقوق مدنی اشخاص به شمار می‌آید. با وجود این باید در نظر داشت که تحدید آزادی، از طریق تعهد به عدم استفاده از آزادی که در دنیای حقوق، خمیرمایه ایجاد حقوق و الزامات اشخاص در برابر یکدیگر است. مشروط به آنکه در چارچوب قانون و اخلاق حسنه صورت پذیرد، یکی از حقوق بنیادین هر انسان به شمار می‌آید؛ اما آشکار است که تعهد به عدم استفاده از آزادی از لحاظ تحلیلی، چیزی غیر از سلب سایر حقوق مدنی از خویش است. بدین علت قانونگذار در ماده ۹۶۰ ق.م. بدون آنکه مانند ماده ۹۵۸ ضرورتی در مورد تأکید بر برخورداری هر انسان از آزادی احساس کند، تنها درباره سلب این موهبت خداداد و حق ابتدایی هر انسان سخن می‌گوید و مقرر می‌کند: «هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند یا در حدودی که مخالف اخلاق حسنه است از استفاده از آزادی خویش صرف نظر نماید. بطور کلی می‌توان گفت که در حقوق معاصر، برخورداری آحاد بشر از پاره‌ای حقوق بنیادین و آزادی‌های

فردی مربوط به حیثیت ذاتی انسان در دو زمینه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مورد تأکید و پذیرش قرار گرفته است. در حقوق داخلی، قوانین اساسی بسیاری از کشورها با تأکید و تصریح بر برخورداری انسان‌ها از حقوق مزبور که به «حقوق بشر» موسوم هستند، راهکارهای حمایت‌کننده‌ای برای حفاظت از حقوق مورد بحث و جلوگیری از تعدی نهادهای عمومی و حتی قانونگذاران به آنها پیش‌بینی کرده‌اند. مقررات جزایی نیز تعرض به برخی از حقوق یاد شده، مانند حق آزادی، حق حیات، حق حیثیت و شرافت، حق سلامتی جسمی و حق دارا بودن زندگی خصوصی را به قید مجازات ممنوع کرده‌اند. در حوزه حقوق خصوصی، قانونگذار ایران در مواد ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۰ و ۹۶۱ قانون مدنی با تأکید بر برخورداری انسانها از آزادی و حقوق مدنی، حمایت خویش را از «حقوق بشر» اعلام کرده است. بنابراین مواد ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰ و ۹۶۱ ق.م. ناظر بر حقوق بنیادین و آزادی‌های بشر هستند و به حقوق شخصی نسبی، مانند حق شفعه و خیار مربوط نمی‌شوند و جزو حقوق مطلق به شمار می‌روند. در جهان امروز برخی از اندیشمندان حقوق بشر را انکار کرده، آن را دستاویز و حربه منازعات سیاسی می‌دانند و حتی ادعا شده که حقوق بشر، فقط جنبه آرمانی دارد؛ اما حیات بشر به آرمانهای او وابسته است و آرمان‌های مورد بحث نیز اکنون علاوه بر اصول قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، در مواد ۹۵۷ تا ۹۶۱ ق.م. ایران تجلی کرده و به عنوان «حق» به حوزه حقوق موضوعه، به ویژه حقوق مدنی وارد شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند. پس می‌توان استناد به مواد یاد شده را برای تعدیل قراردادهای نسبتاً رایجی که متضمن تحدید نامتعارف آزادی یا ایراد خدشه به حقوق انسانی یکی از متعاقدین است به گروهی از دادرسان که به جای تمسک به مفاهیم کلی نظم عمومی و اخلاق حسنه، بیشتر علاقه‌مند هستند آرای خود را به یک متن قانونی مستند کنند، پیشنهاد کرد.

نتیجه‌گیری

مساله محیط زیست به دلیل ارتباط تنگاتنگ با حیات انسانی و نظم آفرینش به خوبی مورد عنایت شریعت؛ کتاب، سنت، اجماع، عقل و تعدادی از قواعد فقهی قرار دارد از آنجا که خالق هستی منبع و مقرر مقررات است هم حق و هم متعلقات آن را به انسان داده و برای استیفای

حق، تکالیفی را بر دوش آنها گذاشته و تذکر داده است؛ که تکالیف راه استیفای حقوق است، از طرف دیگر انسان‌ها؛ برای اثبات بندگی خدا در محیط سالم، انجام وظایف دینی، سایر تکالیف، سیر در راه تکامل که هدف از خلقت، داشتن فرصتهای لازم برای ساختن خود و جامعه خود می باشد. دین اسلام با رویکرد امانت گونه نسبت به محیط زیست نگریسته است و وظیفه انسان در قبال حفظ محیط زیست و برخورداری از محیط زیست سالم و سعادت‌مندانه برای کلیه جامعه بشری می باشد. قرآن کریم با ذکر آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر، باران، جریان باد، حرکت کشتیها در دریاها، گیاهان، حیوانات و ... بر جایگاه مهم این حق تاکید و نام گذاری سوره های قرآن به نام یکی از عناصر طبیعت مانند بقره، رعد، نحل، نور، نمل، عنکبوت، ... بر اهمیت آن عناصر در فرهنگ قرآنی و ضرورت انس با آنها دلالت دارد. نحوه بهره برداری از محیط زیست در نزد آفریننده از جایگاه ویژه ای در آفرینش برخوردارند. تنها غفلت از ذات باری تعالی، موجب تجاوز و تعدی به این عناصر و بهم زدن مناسبات متعادل محیط زیست می گردد. رویکرد فقه به محیط زیست رویکرد امانت گونه است و همگان حق بهره برداری از محیط زیست را دارند، محیط زیست دارای منفعت جمعی است. رویکرد امانت گونه (تعهد، تکلیف، ولایت الهی) است. وظیفه امانت داری ایجاب می کند که با مخربان محیط زیست برخورد شود، چراکه دادخواهی، حق مسلم ابناء بشری است. بسیاری از عموماً قرآن کریم و انبوهی از ادله روایی خاص به مساله محیط زیست و منابع آن و بیانگر وجود چنین حقی و مسئولیت محض انسان نسبت به محیط زیست و اثبات یک حق حقوقی است نه یک حق اخلاقی، آموزه های فقه امامیه در حق بر محیط زیست توان حق انگاری محیط زیست را دارد وقتی سخن از حق است؛ دیگر مثل حق نسل اول و دوم نیست که یک طرف محق و طرف دیگر مکلف، یک طرف بدهکار و طرف دیگر طلبکار باشد بلکه حق بر محیط زیست در فقه امامیه یعنی؛ تحقق یک مسئولیت جمعی نه در قالب مسئولیت اخلاقی؛ بلکه یک مسئولیت حقوقی است و سخن از حلال و حرام بودن، سخن از مجازات کردن و مجازات داشتن متعدیان و متجاوزان به محیط زیست است. به همین منظور؛ امانت الهی مدت و زمان و مکانش مشخص نیست نسل به نسل ادامه دارد و منحصر به افراد خاص نیست؛ محیط زیست حق دارد که از آن بهره برداری شود و حق دارد که از آن سوء استفاده نشود به عبارت بهتر؛

بازگشت حق بر محیط زیست بیانی است از تکلیف ما نسبت به محیط زیست. که بر اساس آموزه‌های دینی و آیات و روایات؛ کل کائنات در خدمت انسان و برای انسان است لذا این حق جمعی انسان است که حق بهره برداری، مکلف به بهینه استفاده کردن، ضرر نزدن به جامعه بشری، تضمین منفعت جمعی که این امر نیز مبتنی بر تربیت مومنان امانتدار و واقعی هم از نظر جسمی و هم از بعد معنوی است. بدست آوردن تصویری از انسان به منزله مخلوقی که خود را بخشی از چرخه حیات می داند و نه موجودی که همچون مالک آن رفتار می کند، تربیت انسان به گونه ای که سازنده باشد و حافظ منابع محیط زیست نه مخرب و هدر دهنده آن.

منابع

قرآن کریم

- ۱- بهرامی احمدی ح. ۱۳۸۹. قواعد فقه. قاعده لاضرر با تطبیق بر قوانین و مطالعه تطبیقی. تهران. دانشگاه امام صادق
- ۲- ضیائی بیگدلی م. ۱۳۷۵. حقوق بین الملل عمومی. تهران: کتابخانه گنج دانش،
- ۳- پارسا ع. ۱۳۷۷. محیط زیست و حقوق بشر، بررسی حق برخورداری از محیط زیست سالم و شایسته به عنوان حق بشری.
- ۴- تفرشی، نعمت الله و همکاران. (۱۳۸۲). مبانی فقهی و حقوقی ماده ۷۶۸ قانون مدنی، مجله علمی-پژوهشی: نامه مفید، شماره ۴۰.
- ۵- تقی زاده انصاری م. ۱۳۷۶. حقوق کیفری محیط زیست. چاپ اول. تهران: نشر قومس،
- ۶- جعفری م. ۱۴۱۹. رساله فقهی. تهران. منشورات کرامت
- ۷- جوادی آملی ع. ۱۳۸۵. انتظار بشر از دین. جلد اول. قم: انتشارات اسراء
- ۸- دلشاد ج. ۱۳۸۵. نهج الفصاحه. ترجمه و تدوین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- راغب اصفهانی م. ۱۳۴۷. مفردات الفاظ قرآن. ترجمه غ خسروی، چاپ دوم. تهران: انتشارات مرتضوی.

- ۱۰- رشاد ع. ۱۳۸۱. نقش دین در دنیای نو، دین و دنیای معاصر. تهران: انتشارات المهدی،
- ۱۱- شمس ا. ۱۳۷۶. نظام حقوقی اراضی ملی شد. چاپ اول. تهران: نشر دادگستر،
- ۱۲- شیرازی م. فقه البیئه. بازخوانی حسینی ع. ۱۳۸۲. مجله فرهنگ جهاد. تخلیص و فرآوری
تبیان: رهنما. گروه حوزه علمیه تبیان. منبع shirazi.ir
- ۱۳- شهیدی ج. ۱۳۷۲. ترجمه نهج البلاغه. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی،
- ۱۴- کاتوزیان ن. ۱۳۷۷. فلسفه حقوق. جلد اول. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار،
- ۱۵- محقق داماد م. ۱۳۸۴. قواعد فقه. چاپ اول. تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- ۱۶- مدیر شانه چی. ک. ۱۳۹۱. آیات الاحکام. انتشارات سمت. قم. چاپ نهم
- ۱۷- مظفر م. ۱۳۷۵. شرح اصول فقه. ترجمه محمدی ع. انتشارات دارالفکر. جلد اول. صص ۱-
۴۵۳
- ۱۸- مکارم شیرازی ن و دیگران. ۱۳۷۹. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. تهران
- ۱۹- موسوی خمینی ر. ۱۳۷۹. تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،
- ۲۰- موسوی خمینی ر. ۱۳۷۸. صحیفه نور. مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام راحل، اول.
- ۲۱- نجفی م. جواهرالکلام فی مسائل الحل و الحرام. تحقیق ع قوچانی. چاپ هفتم. بیروت:
داراحیاء التراث العربی،
- ۲۲- نصر س. ۱۳۷۷. دین و بحران زیست محیطی. ترجمه محسن مدیر شانه چی. مجله نقد و
ظنن. ش ۱ و ۲
- ۲۳- ولیدی م. ۱۳۷۲. حقوق جزای عمومی. چاپ اول. انتشارات سمت. تهران
منابع عربی
- ۲۴- ابن ابی الحدید ع. ۱۳۷۸ ق. شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت.
انتشارات دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم
- ۲۵- ابن ادريس حلی م. ۱۴۱۱. سرائر. چاپ دوم. قم: موسسه النشر الاسلامی،
- ۲۶- ابن شعبه الحرانی، ابی محمد الحسن ابی علی بن الحسین، سال ۱۴۰۷، تحف العقول،
ترجمه احمد جنتی عطائی، انتشارات علمیه اسلامیه.
- ۲۷- تمیمی آمدی ع. ۱۴۰۷ ق. غررالحکم و دررالکلم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

- ۲۸- جبعی عاملی ز. (شهید ثانی). بی. تا. مسالک الافهام. قم: موسسه المعارف الاسلامیه،
- ۲۹- صدوق قمی م. ۱۴۰۹. من لایحضره الفقیه. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران. نشر صدوق
- ۳۰- راغب اصفهانی ح. ۱۴۱۲. المفردات فی غریب القرآن. دمشق. دارلشامیه
- ۳۱- طباطبائی م. ۱۴۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی. قم. چاپ پنجم. ج ۵. ج ۱۶.
- ۳۲- الفرحی س ع. ۱۴۳۰. تحقیق فی القواعد الفقهیه. قم موسسه نشر اسلامی
- ۳۳- کلینی ی. ۱۳۶۳. اصول کافی. ترجمه ج مصطفوی، چاپ پنجم. تهران: دارالکتب الاسلامیه،
- ۳۴- مجلسی م. ۱۴۰۳. بحار الانوار. چاپ سوم. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی،
- ۳۵- مصطفوی م. ۱۴۲۱. القواعد، مابه قاعده فقهیه، معنی و مدرکا و موردا قم. دفتر نشر اسلامی
- ۳۶- مظفر م. ۱۳۶۸. اصول الفقه. چاپ سوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی،
- ۳۷- نجفی م. ۱۳۶۷. جواهر الکلام فی مسائل الحلال والحرام. تحقیق ع قمی قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی،
- ۳۸- مکارم شیرازی ن. ۱۴۱۹. تفسیر نمونه. دار کتب اسلامی. چاپ ۱۴
- ۳۹- اسماعیلی؛ رضانیان؛ وزیری نژاد؛ مهدیان؛ طباطبایی، ۱۳۸۶، حفاظت محیط زیست در اسلام، ویژه نامه همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اکرم(ص) مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان دوره ۶: ۵۵-۶۰
- ۴۰- حاجی ده آبادی م. ۱۳۸۳. امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی. فصلنامه فقه و حقوق، ۱:
- ۴۱- حسینی خامنه‌ای. ۱۳۸۲. پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست. روزنامه ایران
- ۴۲- حسینی ع. ۱۳۹۱. بررسی فقهی ماهیت حق. مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های فقهی. دوره هشتم. شماره اول.
- ۴۳- راعی م. ۱۳۹۱. حقوق بشر و ساز و کارهای نظارتی در اسناد بین المللی و فقه. معرفت حقوق. فصلنامه علمی تخصصی
- ۴۴- راعی م. ۱۳۹۳. ظرفیت‌های حقوق بشری فقه، روزنامه ایران

۴۵- زروانی م. خداجویان ف. ۱۳۸۴. پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات. مجله

علمی و پژوهش دینی. شماره ۲. صص ۲۵۱

۴۶- سلطانی م، ۱۳۸۶، قواعد فقهی و محیط زیست.. قابل دسترسی در سایت تبیان

۴۷- صادقی. ا؛ اکبریان. ا؛ شاکر. م. ۱۳۸۶. رویکردهای نوین به درون مایه‌های دینی در

حفاظت از محیط زیست. مجله پژوهش و حوزه. شماره ۳۰-۳۱. صص ۱۵۷-۱۷۷

۴۸- فهیمی. ع. ۱۳۸۹. فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه

قم، شماره ۳، صص ۱۰-۱۱۷

۴۹- محقق داماد م. ۱۳۸۴. محیط زیست طبیعی از دیدگاه حکمت متعالیه. خردنامه صدرا.

شماره ۴۲. صص ۱۳-۲۱۹-۵۴ ۵۵- محقق داماد. ۱۳۷۳. طبیعت و محیط زیست از نگاه

اسلام. نامه فرهنگ. س ۱۳. صص ۷۸-۸۹

50- Jason, M.F.(2005);"Third Generation Rights: What Islamic Law can teach the International human rights Movement", Yale Human Rights and Development.L.J., VOL.8, PP.91-102

51- Kiss;ch.A "Droit international de L "environnement";edpedone; 1989 .

52- Soleimani,i. (2011). Kultur Evreni: philosophy of Environment And Its Effects" vol 10, pp137-147.

53- Nasr. S.H. The Encounter of Man and Nature. London; George Allen and Unwin Ltd 1968. Pg.96.

54- www.HaghGostsr.ir

55- www. noor

